

بررسی جامعه شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در قوانین ایران طی بازه ی زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰

محمد حسین غنیمی^۱، سعید معدنی^{۲*}، ذبیح اله صدقی^۳

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد مرکز

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد مرکز

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

هدف از نگارش مقاله پیش رو بررسی جامعه شناختی عدالت جنسیتی در طی سالیان ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ و سپس بررسی جامعه شناختی عدالت جنسیتی طی سالیان ۱۳۵۷ - ۱۳۹۰ و بطور کلی در یک بازه زمانی ۱۳۴۰ - ۱۳۹۰ میباشد تا بتوان پایگاه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را با توجه به قوانین ایران در سطوح گوناگون تبعیض و عدالت جنسیتی واکاوی نمود. بر اساس فرضیه پژوهش در سالهای دهه چهل شمسی با آغاز برنامه مدرنیزاسیون ایران و انقلاب سفید در دوره پهلوی دوم، جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حقوقی زنان بیش از پیش دچار تحولات مثبت شد و این روند در سال های پس از انقلاب در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با توجه به تفاسیر دینی و ملاحظات فرهنگی رشد تازه ای یافت. نتایج نشان میدهد با توجه به شاخص های عدالت جنسیتی در سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۹۰ روند مشارکت زنان در حوضه اقتصاد، سیاست و عدالت حقوقی زن و مرد در قانون مدنی ایران سیر صعودی داشته است و اگرچه در مقطع پیروزی انقلاب به دلیل بی ثباتی های ناشی از تغییر مناسبات سیاسی موقتاً روند بسط و گسترش عدالت جنسیتی با افول روبه رو شد اما در سالهای پس از پیروزی انقلاب، حضور زنان در حوضه ی اجتماعی، اقتصادی و امور اداری روند مطلوبی را پیدا نمود. عدالت در حوزه قوانین سیاسی جهت حضور یا عدم حضور زنان که منجر به عدالت شود، پیش از آنکه به قوانین بازدارنده برخوردیم با مسایل فرهنگی و ذهنیت و تفاسیر مجریان قانون روبه رو بوده ایم. روش تحقیق اسنادی است و بلحاظ هدف کاربردی و شیوه و نحوه جمع آوری و دریافت اطلاعات مطالعه متون قانونی بوده است.

واژگان کلیدی: جامعه شناختی - حقوق زنان - قانون اساسی - قانون مدنی.

مقدمه

عدالت جنسیتی به عنوان یکی از موضوعات حساس و مورد حمایت پژوهشگران حوزه اجتماعی و سیاسی در طول سالیان پس از انقلاب همواره مورد بحث و بررسی بوده است. گروه‌ها و جریان‌های سیاسی داخل و بعضاً خارج از ایران به عنوان حامیان نظریات گوناگون حقوق زنان مداوماً نظریات و آموزه‌ها و ارزش‌های ذهنی و هنجارهای هویتی خود را به عنوان نظریات اکثریت زنان ایران ابراز کرده و در دولت‌های گوناگون رویکردهای متفاوت به حقوق زنان را اجرا کرده‌اند؛ اما واقعیت حوزه زنان و ارتباط آن با قوه مقننه و مجریه کشور چگونه است؟ چه رابطهای میان قوانین و اوضاع کنونی حوزه زنان در جامعه ایران وجود دارد؟ آیا قوانین مدنی و سیاسی و اقتصادی ایران از بسترهای ایجاد تبعیض جنسیتی است یا که در مقابل قوانین مدنی و سیاسی و اقتصادی حامی زنان در جامعه ایران است؟ این سؤالات و پاسخ‌های پیش رو انگیزه‌ای برای پژوهش کنونی ماست. ما در این پژوهش به بررسی قوانین مهم و تأثیرگذار در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و قوانین خانواده مانند نفقه خواهیم پرداخت تا پاسخ خود را در خلال بررسی‌ها بیابیم.

قانون اساسی که برابری افراد را تضمین می‌کند، به برابری بر اساس جنسیت اشاره نکرده و عدالت برای زنان تنها با رعایت موازین شریعت اسلام پذیرفته شده است. مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد کشور فارغ از زن و مرد در برابر قانون مساوی‌اند و از همه حقوق انسانی من جمله حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌مندند، ولی مشروط به وجود یک شرط اساسی... با رعایت موازین اسلام. در نتیجه با بررسی قوانین مدنی و کیفری در سال‌های دهه ۴۰ تاکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که بررسی جامعه‌شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی با توجه به قوانین ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ چگونه قابل صورت‌بندی است؟ در حقیقت باید گفت در سال‌های دهه چهل شمسی با توجه به آغاز برنامه مدرنیزاسیون ایران توسط محمدرضا شاه و انقلاب سفید؛ جایگاه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زنان بیش‌ازپیش دچار تحولات مثبت شد این روند در سال‌های پس از انقلاب نیز در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با توجه به تفسیرهای دینی و ملاحظاتی فرهنگی تداوم یافت.

دلیل بررسی این موضوع در بازه زمانی دهه چهل تاکنون اتفاقات مهم سیاسی، اجتماعی مانند اصلاحات ارضی، کودتای ۲۸ مرداد و ثبات سیاسی بعد از آن، آغاز برنامه‌های مدرن سازی ایران توسط پهلوی دوم و رشد شهرنشینی و طبقه متوسط است و از سوی دیگر اصلاحات ارضی در ایران، ثبات و امنیت بلندمدت و تحولات عظیمی که سبب‌ساز تغییر چهره جامعه شد را می‌توان از علل انتخاب سال ۱۳۴۰ به عنوان مبدأ پژوهش برشمرد. روش تحقیق به‌طور کلی اسنادی-تاریخی است که مقایسه دو دوره تاریخی (سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰) را انجام خواهد داد شیوه جمع‌آوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری است. در تحقیق حاضر از آن جهت که به بررسی جامعه‌شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی در قوانین ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ می‌پردازد، روش مورد نظر تحقیق تحلیلی است.

پیشینه پژوهش

شمس قهفرخی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان تأثیر مقدار ساعت کاری زنان شاغل بر باروری به بررسی نقش اشتغال و تأثیرات آن بر روند باروری و تأثیراتی که اشتغال می‌تواند در حوزه خانواده داشته باشد می‌پردازد نتایج کلی با محاسبه میزان باروری جزئی نشان داد زنان شغل پاره‌وقت نسبت به زنان شاغل تمام‌وقت تعداد فرزند بیشتری به دنیا می‌آورند و هنگامی که تفاوت‌ها بر حسب رتبه موالید بین دو گروه شغلی بررسی شد، نتایج نشان داد شغل پاره‌وقت، فاصله ازدواج تا فرزند اول و فرزند اول تا فرزند دوم را کاهش و احتمال رسیدن به فرزند دوم را افزایش می‌دهد؛ اما احتمال رسیدن به فرزند اول را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، شغل پاره‌وقت، با بیشتر شدن احتمال به دنیا آوردن فرزند، در زناپی مرتبط است که قبلاً یک فرزند داشتند. مهدی و همکاران (۱۳۹۷) اشتغال زنان را از منظری اجتماعی می‌نگرد. او در مقاله خود با عنوان ارائه الگوی خط‌مشی‌های اشتغال زنان از منظر اضطرار اجتماعی بدین نتیجه می‌رسد که نتایج حاصل از ماتریس تحلیل قدرت نفوذ و ابستگی نشان از این دارد که اثرگذارترین مؤلفه در الگوی خط‌مشی‌های اشتغال زنان، تبیین حسن فعلی هست که مبین ارجحیت خط‌مشی‌های نرم به نسبت خط‌مشی‌های دیگر در عرصه اشتغال زنان است. حسین قدرتی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان فراز و فرود اشتغال زنان در ایران و تفاوت آن با روندهای جهانی معتقد است که گرچه فراز و فرودهای زیادی در میزان مشارکت نیروی کار زنان رخ داده است اما همواره سطح اشتغال بسیار پایین است. الگوی سنی اشتغال در سه دهه‌ی اخیر نیز بررسی شده است. تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال زنان نشان می‌دهد که عواملی در سطح کلان مانند مشکلات اقتصادی و سیاسی و در سطح خرد مانند کاهش باروری، سطوح بالاتر تحصیلات، افزایش مخارج بر سطوح اشتغال زنان تأثیر بسزایی داشته است. پناهی و بنی فاطمه (۱۳۹۴) به تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت زنان می‌پردازد و در مقاله‌ی فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان یادآور می‌شود که نتایج تحقیق حاکی از این بود که فرهنگ سیاسی زنان بر روی مشارکت سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد. همچنین همه مؤلفه‌های فرهنگی سیاسی، شامل نگرش نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی حاکم، دانش (تجهیز) سیاسی، نگرش زنان نسبت به توانمندی سیاسی خود و هنجارمند دانستن مشارکت سیاسی زنان با مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی‌دار مثبت نشان دادند. عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴) به بحث مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است و

نتیجه می‌گیرد که میانگین مشارکت سیاسی در هر دو گروه زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و شاغل و زنان بدون تحصیل دانشگاهی و غیر شاغل بسیار کم هست. برازش خوب مدل نظری به‌ویژه در بین گروه زنان شاغل و دانشگاهی حاکی از آن است که مشارکت سیاسی زنان این گروه بیش از همه تابع سطح آگاهی‌های سیاسی و نگرش آنان به سیاست است و نگرش به سیاست به‌عنوان متغیر واسطه‌ای تابع سطح آگاهی‌های سیاسی، احساس نابرابری جنسیتی در حوزه سیاست، اعتماد به نهادهای حکومتی و مسئولین کشور و در مرتبه آخر متأثر از سرمایه اجتماعی و به‌ویژه فعالیت‌های انجمنی است. اعظم آزاد (۱۳۸۴) در پژوهش آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی؛ مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری‌های جنسیتی، به مسئله نابرابری‌های جنسیتی پرداخته است. وی وضعیت آگاهی و تصدیق افراد از وضع نابرابر را غیرعادلانه می‌داند. وی پس از طرح نظریات فمینیستی چنین برداشت می‌کند که آگاهی جنسیتی بیشتر شناخت جنسیت به‌عنوان یک سازه اجتماعی- فرهنگی است که ریشه زیستی ندارد. این سازه از طریق تجربیات خانوادگی و روابط اجتماعی دائماً بازتولید می‌گردد. هاتفی (۱۳۸۵) تحقیق خود با عنوان بررسی نگرش زنان در مورد تفاوت‌های جنسیتی، زیستی، اجتماعی و اقتصادی، انجام داده است. نتیجه کلی به‌دست آمده از تحقیق این است که همچون سایر بخش‌های اجتماعی، نگرش‌های زنان به تفاوت‌های جنسیتی در حال گذر از رویکردهای سنتی به مدرن است. هنوز بخش‌هایی از کلیشه‌های سنتی به‌طور کامل مورد قبول زنان است. هر چند پذیرش آن‌ها برای زنان ایجاد محرومیت یا محدودیت می‌کند. از سوی دیگر برخی دیدگاه‌های جدیدتر که در مورد تفاوت‌های جنسیتی مطرح هستند. به‌خصوص در بعد زیستی نیز مورد پذیرش آن‌ها هست. شاید بتوان گفت که رویکرد مطرح در مورد زنان، بر اساس کارکردی که در زندگی آن‌ها دارد مورد پذیرش یا طرد از سوی آن‌هاست.

چارچوب نظری پژوهش حاضر

نظام اجتماعی و متغیرهای پیکربندی (ساختاری)

زمانی که پارسونز کتاب نظام اجتماعی را می‌نویسد، توجهش پیوسته به کنش معطوف است اما برای تعریف نظام اجتماعی توجهش بر کنشگر متمرکز است. به تعریف وی نظام اجتماعی «کثرتی از کنشگران فردی حاضر در فرایندی از کنش متقابل است که در وضعیتی متأثر از خصوصیات فیزیکی جریان دارد الیزه این کنشگران خشنودی بهینه است و وضعیتشان با نظامی از نمادها تعیین شده است». با جهت دادن به تحقیق در میدانی نظام اجتماعی عناصر سه‌گانه شخصیت، فرهنگ و جامعه را در دستور کارش قرار عناصر سه‌گانه‌ای که در حوزه جامعه‌شناسی امریکا متداول‌اند اما به مفهوم اجتماعی در رویکرد پارسونزی جان می‌بخشند. در وهله اول، شخص دیدگاهی جامعه‌شناختی از گذر مفهوم نقش اجتماعی ادراک می‌شود. در واقع نقش اجتماعی به‌مثابه نظام انتظارات و پیش‌بینی‌های دوجانبه (نقش به فرزند، پزشک...) معیارهای رفتار و ارزیابی حاکم بر کنش‌های متقابل را در چارچوبی مشخص به طرز کمی‌بیش صریح تعیین می‌کند. فرهنگ زنان جامعه متمایز است، چون فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نمادهای مشترک میان کنشگران تعریف شده است که نمی‌توانند به کنش‌های متقابل واقعی میان کنشگران فروکاسته شوند.

در نظام اجتماعی، همچنین در مطالعات مشترک با رابرت بیلز و ادوارد شیلین پارسونز معتقد است که نظام کنش از پنج دو پارگی (dichotomy) در مدل ارزش‌ها تشکیل شده است. این متغیرهای پیکربندی (ساختاری) (pattern variables) که پارسونز بر خصوصیت کامل و عام آن‌ها تأکید می‌کند کنشگر را به انتخاب میان یکی از دو شق مجبور می‌کنند. بدین ترتیب کنش میان دو مدل ارزشی در نوسان است.

اول، عاطفی و خنثی از لحاظ عاطفی: کنشگر می‌تواند تحت تأثیر عواطف و احساساتش عمل کند یا برعکس با خویشتن‌داری احساساتش را مهار کند.

دوم، جهت‌گیری به‌سوی جمع و جهت‌گیری به‌سوی خود: کنش ممکن است در راستای هدف‌های مشترک با سایر کنشگران توجیه شده باشد یا برعکس، از هدف‌های منحصراً شخصی پیروی کند.

سوم، عام‌گرایی و خاص‌گرایی: کنشگر محیط پیرامونش را به کمک معیارهای عمومی که قابلیت کاربردی عام دارند داوری می‌کند یا برعکس، به کمک معیارهای خاص کنشگران یا چیزها ارزیابی می‌کند.

چهارم کیفیت و دستاورد: کنشگر ممکن است دیگری را فقط بر مبنای صفات شخصی‌اش (آنچه دیگری هست) ارزیابی کند یا برعکس، بر مبنای دستاوردهایش که با نگاه به نتایج کنشش سنجیده می‌شوند.

پنجم ویژگی و پخش: کنشگر ممکن است فقط به یک جنبه از شخصیت و کنشگران دیگر توجه کند یا اینکه آن‌ها را در کل و همه‌جانبه ملاحظه کند. در نظام اجتماعی، پارسونز مثال‌های فراوانی در کاربرد این مدل آورده است، مثلاً به کنش متقابل پزشک-بیمار دقت می‌کند برای آنکه این رابطه کارکردی باشد، پزشک باید نقشش را با توجه به دستاورد و نتیجه کنش ایفا کند (برای این منظور او صلاحیت‌هایی دارد که از لحاظ اجتماعی به رسمیت شناخته شده‌اند)، رابطه‌اش با بیمار باید عام‌گرایانه باشد (احساسات دوستانه، روابط خصوصی، خویشاوندی و...) که پزشک می‌تواند در سایر اوقات با بیمار داشته باشد نباید در پروتکل معالجه مداخله کند؛ کنش پزشک باید ویژه و فقط از یک جنبه

باشد (تخصص او اعاده سلامت بیمار است) و کنش پزشک از لحاظ عاطفی خنثی است (او نباید تسلیم خواهش های بیمار شود، چون ممکن است نتواند از او توقع فداکاری هایی را داشته باشد که گاهی برای معالجه اش ضروری اند). برخلاف مردان کسب و کار، جهت گیری کنش پزشک به سوی جمع است (پزشک برای نفعی که صرفاً شخصی نیست فعالیت می کند)؛ اما نقش بیمار و انتظارش از لحاظ عاطفی بودن، کیفیت و خاص گرایی تقریباً به شکلی قرینه با نقش پزشک متفاوت است. (لالمان، ۱۳۹۴: ۱۳۷)

پارسونز، با ترکیب دو جفت تعیین کننده جهت گیری ارزش ها (عام گرایی / خاص گرایی، کیفیت / دستاورد) در سطح کلان اجتماعی، به نوع شناسی جامعه ها مبادرت می کند. بدین سان جامعه صنعتی آمریکا به لحاظ اهمیت دادن به فعالیت شغلی با برتری ارزش های عام گرایانه و دستاورد شناخته می شود؛ در آلمان پیش از حاکمیت نازی ها ارزش های دوگانه عام گرایی / کیفیت برتری داشتند؛ در تمدن چینی ترکیب میان دستاورد و خاص گرایی و در جامعه های آمریکای لاتین تلاقی میان خاص گرایی و کیفیت تفوق داشت. فلوران کلوهن و فرد استرودبک این نوع طبقه بندی را در سطح محلی به منظور مطالب پویایی و تفاوت های فرهنگی میان اجتماعات قومی جنوب غرب آمریکایی بسته اند. (لالمان، ۱۳۹۴: ۱۳۳)

بعنوان نمونه کارکردگرایی پارسونزی درباره کار و اشتغال یکی از مباحثی است که در آن، رویارویی آشکار رویکردهای محافظه کارانه و انتقادی را شاهد هستیم. پارسونز، جامعه شناس کارکردگرایی آمریکایی، محوریت یافتن اشتغال مردان را دارای کارکردهای مثبت و مهمی مانند انسجام خانواده می داند. به نظر وی، انسجام شدید خانواده هسته ای به واسطه غلبه این الگو تسهیل می شود که معمولاً فقط یکی از اعضای آن دارای شغلی است که برای موقعیت خانواده به عنوان یک کل، اهمیتی تعیین کننده دارد؛ زیرا کودکان علی القاعده «کار» نمی کنند مگر زمانی که می خواهند خانواده پدری را ترک کنند؛ همسر و مادر نیز منحصراً زن خانه دار است و یا حداکثر دارای «کار» است، نه حرفه. به این ترتیب، موقعیت شغلی شوهر و پدر بسیار مهم تر خواهد بود؛ نه تنها به این دلیل که معمولاً منبع اولیه در آمد خانواده است، بلکه به این دلیل نیز که مهم ترین و تنها پایه موقعیت خانواده در جامعه بزرگ است. با محدود شدن نقش شغلی موقعیت بخش به نقش شوهر / پدر، هرگونه رقابت برای کسب موقعیت رفع می شود؟ به خصوص رقابت بین زن و شوهر که می تواند انسجام رابطه زوجیت را از بین ببرد. تا زمانی که مسیرهای موفقیت از یکدیگر تفکیک شده باشند و مستقیماً قابل مقایسه نباشند، فرصت کمتری برای گسترش حسادت، احساس کمتری و مانند آن وجود دارد اما رویکردهای انتقادی، تمایز جنسیتی در اشتغال را بر حسب منافع آن برای نظام سرمایه داری یا نظام پدرسالاری و با تأکید بر کارکردهای منفی آن برای زنان تبیین می کنند. برای نمونه، نمودار کسبیت ها یکی از کارکردهای خانواده هسته ای معاصر را تأمین مکانی برای نگهداری «ارثش ذخیره کارا می دانند؛ یعنی زنانی که به هنگام لزوم، از سوی سرمایه داران جذب بازار کار شده و با رفع نیاز، از کار کنار گذاشته می شوند. فمینیست ها نیز بر این باورند که وضعیت نابرابر زنان در بازار کار، هم باز تاب و هم تداوم بخش فرودستی آنان در خانه است؛ زیرا از آنجا که در آمد بسیاری از زنان برای تأمین استقلال اقتصادی آنان ناکافی است، آنان از نظر معیشتی دست کم تا حدودی به شوهران خود وابسته می مانند و همین امر موجب تداوم نقش خله داری زنان و بهره کشی مردان از آنان می شود (لالمان، ۱۳۹۴: ۱۳۵)

بر این اساس با تلفیق دیدگاه کارکردگرایی پارسونزی با هنجارهای جامعه ایرانی با توجه به قوانین حکومت دینی حاکم بر جامعه ایران می توان به شاخص های زیر دست یافت:

الف: عدالت جنسیتی

عدالت، متأثر از مفهوم کلی آن، در حوزه جنسیت نیز که اشاره به ویژگی هایی دارد که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت بروز و ظهور می کند (رودگر، ۱۳۸۸: ۱۵) ورود نموده و مفهومی ناآشنا تر، و مبهم تر، تحت عنوان عدالت جنسیتی را شکل داده است که به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قلمداد می شود (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۹۲)؛ البته، به گونه ای که هر یک از دو جنس متناسب با خصایص زنانه با مردانه از همه امکانات برخوردار باشد و هیچ گونه ستم یا اجحافی در حق آنان وارد نشود. پس اقتضای عدالت جنسیتی آن است که جنسیت افراد مانع از آن نشود که به دلیل ناتوانی در احراز شأن و منزلت شایسته خود، احساس ناکامی و کهنتری کنند (عطارزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

ب: شاخص های عدالت جنسیتی

شاخص های عدالت جنسیتی تنها ناظر به تساوی یا تفاوت زن و مرد در هویت جنسیتی و اجتماعی آن ها نیست؛ بلکه آن را به مثابه نتیجه ای تلقی می کند که از درون اشتراک زن و مرد در هویت انسانی و تفاوتشان در جنسیت طبیعی برمی خیزد. شاخص های عدالت جنسیتی از دیدگاه اسلام به شرح زیر می باشد:

تساوی در ارزش ها

از دیدگاه اسلامی زن و مرد به جهت داشتن هویت انسانی مشترک و از جهت ارزشی، ترجیحی بر یکدیگر مگر به سبب تقوی ندارند، لذا هیچ یک از نقش های اجتماعی آن ها به دلیل جنسیت نمی تواند متصف به ارزش برتر و پست تر شود. رویکردی که نقش زنان را بی ارزش تر از مردان بداند، عدالت در هویت جنسی را مخدوش می نماید. مردان بر زنان برتری ارزشی ندارند، مواردی که مردان توانمندتر از زنان یا زنان برتر از مردان باشند، این برتری ارزشی نیست؛ بلکه توانمندی در انجام کار است، لذا در روایات اسلامی فضیلت حسن شوهرداری زن با ثواب جهاد مرد برابری می کند: «عن النبی قال جهاد المرأئ حسن التبعل لزوجها»

تناسب جنسیت با نقش ها

یکی از شاخصه های عدالت جنسیتی تناسب و توازن نقش ها با جنسیت است. جنسیت همانند بلوغ، عقل و قدرت، یکی از پایه های استعداد و توانمندی ها است که قوانین طبیعت آن را الزام می کند. نظریه های فمینیستی که نقش جنسیت را نادیده می گیرند، در واقع بر خلاف جریان طبیعت و آفرینش گام برمی دارند؛ اما از دیدگاه اسلام، باورها، ارزش ها و هنجارهایی که سازنده نقش های جنسیتی است، با جنسیت متفاوت زن و مرد تناسب دارد.

تقارن اخلاق و حقوق

از دیگر شاخصه های عدالت جنسیتی در اسلام، این است که حقوق و تکالیف نباید زمینه ظلم اخلاقی را فراهم کند؛ زیرا زن و مرد حق رشد اخلاقی و معنوی را در جامعه و خانواده دارند، لذا احکام حقوقی و نقش های زن و مرد باید با اخلاق تقارن داشته باشد. تعیین بسیاری از رفتارهای اجتماعی و تقسیم کار در حوزه های مختلف بین زن و مرد باید معطوف به اهداف و معیارهای اخلاقی باشد، در غیر این صورت سستی اخلاقی روا داشته می شود.

عدم عدالت در مزایا

با مفروض گرفتن شاخص های سابق، در مواردی که زنان نقش هایی اجتماعی یا مسؤولیت هایی را بر عهده دارند، با دارا بودن شرایط لازم و همسان با مردان، برابری مزایا و دستمزد ایشان شاخص دیگری در عدالت جنسیتی است. در بسیاری از جوامع و حتی در جامعه ما، گاه به بهانه جنسیت، دستمزد زنان کمتر از مردان است؛ اسلام چنین نگاه تبعیض آمیزی را به رسمیت نمی شناسد.

روش پژوهش:

روش تحقیق از نوع کیفی، اسنادی - تاریخی می باشد. تاریخی از آن جهت که قوانین موجود دوره زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ هجری را در بر می گیرد. منظور از پژوهش تاریخی "بازسازی سیستماتیک و عینی است که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترتیب حوادث به منظور اثبات و تحصیل نتیجه قابل دفاع صورت می گیرد و غالباً بر فرضیه معین مبتنی است." (ایزاک ۱۳۷۶: ۵۴) از سوی دیگر پژوهش حاضر اسنادی است چرا که جهت بررسی سوالات و فرض اصلی تحقیق به متون قانونی وضع شده در این بازه ۴۰ ساله پرداخته شده است. هر متن قانونی به عنوان یک سند در نظر گرفته شده است.

بررسی یافته های پژوهش

با توجه به این شاخص ها در سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ با توجه به حوادث سیاسی روند مشارکت زنان در حوزه اقتصاد، سیاست و عدالت حقوقی زن و مرد در قانون مدنی ایران تداوم یافت و اگرچه در مقاطعی همچون پیروزی انقلاب به دلیل بی ثباتی های ناشی از تغییر مناسبات سیاسی روند بسط و گسترش عدالت جنسیتی با افول روبرو شد اما در سال های پیروزی انقلاب به ویژه در سال های پس از جنگ تحمیلی؛ حضور زنان در حوزه اقتصاد و امور اداری روند مطلوبی را پیدا نمود.

در سال های پیش از انقلاب به ویژه به دلیل دو مسئله مهم شامل انقلاب سفید و دوم رونق اقتصادی ایران در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵، حوزه زنان نیز تحول گسترده ای یافت. در حوزه اقتصادی زنان به بازار کار کارخانه های صنعتی تازه تأسیس شده راه یافتند و توانستند در حوزه آموزش در سپاه دانش، دانشگاه ها و مراکز علمی حضور گسترده تری داشته باشند. مسئله مهم این دوران حضور زنان در مناصب قضاوت و وزارت و مجلس شورای ملی است که گرچه تعداد اندکی از زنان را در برمی گرفت اما نوعی حرکت روبه جلو تلقی می شد. حق رای زنان که با اعتراض مخالفان سیاسی روبرو شد نیز از تحولات مهم این دوران تلقی می شود. با بررسی قوانین مدنی و بررسی داده های پژوهش می توان سؤال پژوهش را که بررسی جامعه شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی با توجه به قوانین ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ چگونه قابل صورت بندی است؟ پاسخ گفت.

بر اساس فرضیه پژوهش در سال های دهه چهل شمسی با توجه به آغاز برنامه مدرنیزاسیون ایران توسط محمدرضا شاه و انقلاب سفید؛ جایگاه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زنان بیش از پیش دچار تحولات مثبت شد اما در سال های پس از انقلاب با توجه به شرایط انقلابی کشور

و تغییر قوانین مدنی و کیفری جایگاه زنان تغییرات محسوس را به ویژه ر زمینه های خانواده و قضاوت و حضور در کلبینه دولت و مجلس پیدا کرد. با توجه به داده های پژوهشی در سال های پس از انقلاب به دلیل تحکیم مبانی اسلامی و دیدگاه عدالت جنسیتی، زنان در حوزه های همچون وزارت و قضاوت دچار عقب گرد شدند اما با توجه به روند توسعه کشور در طول چهار دهه گذشته، زنان در حوزه های اقتصاد، قوانین مدنی، خانواده و مشارکت سیاسی توانسته اند حضور ممتد و دائمی داشته و در بخش های اقتصادی و آموزشی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص دهند. در حقیقت تبعیض جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی از سال ۱۳۴۰ تاکنون روندی کاهشی داشته اما در حوزه های چون وزارت و ریاست جمهوری با توجه به ملاحظت دینی و فرهنگی روند کندتری را تجربه کرده است.

عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اقتصادی در کسب نقش و پایگاه اقتصادی با توجه به جایگاه حقوقی زن در قوانین ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ (مهریه، نفقه، اشتغال، حق کار کردن ارث و حق مالکیت، حق بر کار کردن) با بررسی قوانین می توان نتایج ذیل را ذکر نمود:

در فاصله سال های ۵۵-۱۳۳۵، نرخ واقعی فعالیت زنان آهنگی صعودی به خود گرفت و از ۹/۲ درصد به ۱۲/۹ درصد رسید. به همین ترتیب زنان هم سهم بیشتری از بازار کار کل کشور را به خود اختصاص دادند و نسبت زنان از کل جمعیت فعال کشور از ۹/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۴/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش پیدا کرد. برای دستیابی به رشد سریع اقتصادی و گردش چرخ صنایع، زنان می توانستند وارد بازار کار شوند. (مسیب نیا فخبی، ۱۳۹۲)

جدول شماره ۱: سهم زنان از بازار کار ایران طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵

| سال | جمعیت بالای دهال | جمعیت فعال | جمعیت غیرفعال | جمعیت شاغل | جمعیت بیکار | نرخ بیکاری | نرخ واقعی فعالیت | سهم زنان در بازار کار |
|------|------------------|------------|---------------|------------|-------------|------------|------------------|-----------------------|
| ۱۳۳۵ | ۶۲۴۲ | ۵۷۶ | ۵۶۶۶ | ۵۷۳ | ۳ | ۰.۵ | ۹.۲ | ۹.۷ |
| ۱۳۴۵ | ۸۲۰۶ | ۱۰۳۳ | ۷۱۷۳ | ۹۴۴ | ۸۹ | ۸.۶ | ۱۲.۶ | ۱۴.۵ |
| ۱۳۵۵ | ۱۱۲۴۲ | ۱۴۴۹ | ۹۷۹۳ | ۱۲۱۲ | ۲۳۷ | ۱۶.۴ | ۱۲.۹ | ۱۴.۸ |

منبع: شادی طلب: ۱۳۸۰ به نقل از فخبی

این سیاست مبتنی بر هدف هایی بود؛ از یک سو نیمی از جمعیت کشور که اغلب از فعالیت های اقتصادی درآمدزا به دور مانده بودند، به حقوق و دستمزد بگیران بخش خصوصی یا عمومی اضافه می شدند و از سوی دیگر موانع فرهنگی که بر سر راه حضور زنان در جامعه وجود داشت، برداشته می شد. در نتیجه این سیاست، در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، تعداد جمعیت زنان شاغل از حدود ۹۴۰ هزار نفر به بیش از ۱۲۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. قسمت چشمگیر این افزایش در بخش صنعت (۴۷ درصد از کل افزایش و سپس در بخش خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی) متمرکز می شد. به طوری که ۹۵ درصد از کل افزایش نیروی کار زنان به این دو بخش اختصاص یافت و ۱۰ درصد بقیه میان هفت بخش باقی مانده توزیع شد (شادی طلب، ۱۳۸۰، ۶-۳۵)، در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، زنان شاغل در گروه شغلی «مزد و حقوق بگیر بخش دولتی» از رقم ۵۷ هزار نفر به ۲۴۶ هزار نفر و سهم آنان در کل زنان شاغل از ۶ درصد به ۲۰/۳ درصد افزایش یافت. (مسیب نیا فخبی، ۱۳۹۲)

جدول شماره ۲: سهم اشتغال زنان در بخش های مختلف اقتصاد در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵

| سال | سهم اشتغال زنان در کل اشتغال کشور | سهم بخش صنعت از افزایش زنان شاغل | سهم بخش خدمات از افزایش زنان شاغل | سهم بخش دولتی از کل اشتغال زنان | سهم زنان شاغل در کل زنان ده ساله به بالا | سهم زنان خانه دار در کل زنان ده ساله به بالا |
|------|-----------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------|---------------------------------|--|--|
| ۱۳۴۵ | ۱۳/۳ | - | - | ۲۰/۳ | ۱۱/۵ | ۷۳/۳ |
| ۱۳۵۵ | ۱۳/۸ | ۴۷/۷ | ۲۳ | ۲۰/۳ | ۱۱/۵ | ۶۸/۸ |

منبع: شادی طلب: ۱۳۸۰ به نقل از فخبی

بدین ترتیب سهم زنان شاغل ده ساله به بالا در این دوره تقریباً در مرز ۱۱ درصد ثابت مانده و حدود ۷۰ درصد از جامعه زنان خانه داری را ادامه دادند. مقایسه این دو رقم حاکی از آن است که بسیاری از زنان ایران در دایره فعالیت های اقتصادی جامعه حضور نداشته اند. حوزه حضور زنان خانه دار در آن دوران غالباً محدود به مجالس مذهبی و زیارتگاه ها بود که یافته های پژوهشی مربوط به سال های ۱۳۵۳ نیز این مطلب را تأیید می کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه اشتغال را از حقوق اولیه و طبیعی زنان می داند، آنان را در انتخاب هر شغلی که مخالف اسلام نباشد آزاد دانسته و دولت را به تأمین شرایط و فراهم آوردن امکانات لازم برای اشتغال بانوان موظف می کند، نیز بر مالکیت زنان در کسب و کار مشروعشان تأکید می ورزد تا زمینه حضور گسترده زنان در عرصه های کار و تلاش و فعالیت های اقتصادی، فراهم گردد. مقدمه قنون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان زن در قانون اساسی که بیانگر تبعیض مثبت در قبال مردان است مقرر می دارد: «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیء بودن و یا «ابزار کار» بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان های مکتبی پیش آهنگ و خود هم رزم مردان در میدان های فعال حیات هست». (جایگاه زن در قانون، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری: ۱۳۷۳)

بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی» تأکید دارد. اصل بیستم قانون اساسی مقرر می دارد: استفاده مساوی از تمام فرصت های شغلی موجود در جامعه، از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان محسوب شده که اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدان اشاره دارد. مطلق اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف به ایجاد «امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه افراد» گردیده است. بند ۲ اصل چهارم و سوم مقرر می دارد: «تأمین شرایط کار و امکانات اشتغال برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند». برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانی در جریان رشد، تأمین شرایط و امکانات کار را برای همه افراد جامعه از جمله زنان ضروری می داند. اصل چهارم و ششم نیز مقرر می دارد: هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

ممنوعیت کارهای سخت برای زنان

مرخصی زایمان

طرح دور کاری زنان شاغل

لایحه تسهیلات شغلی برای زنان سرپرست خانوار

بازنشستگی پیش از موعد زنان

قوانین اشتغال پاره وقت زنان

با بررسی آمار و ارقام نیز می توان تأثیر قوانین فوق را نشان داد. مقایسه الگوی اشتغال زنان در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در دو مقطع ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ در کل کشور حاکی از آن است که طی این دهه، فراوانی نسبی اشتغال زنان در بخش کشاورزی کاهش و در بخش صنعت افزایش یافته و در بخش خدمات ثابت مانده است. بر اساس داده های آماری می توان نتیجه گرفت که گرایش زنان برای اشتغال در بخش های مختلف فعالیت اقتصادی در شهرها از بخش خدمات به سوی صنعت و در روستاها از بخش کشاورزی به سوی صنعت تغییر کرده است. گرایش زنان به بخش صنعت، به ویژه در مناطق روستایی چشمگیر است. درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ در گروه مردان کاهش و برای زنان افزایش داشته است. نرخ رشد اشتغال مردان در بخش کشاورزی طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ برابر ۴۶/۴۷ درصد و نرخ رشد این نماگر برای زنان در این دوره ۳۵/۰۳ درصد بوده است. درصد اشتغال در بخش صنعت طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به شدت کاهش یافته ولی از سال ۱۳۶۵ دوباره رو به افزایش نهاده است؛ هر چند از سال ۱۳۷۵، دوباره با کاهش اشتغال زنان در بخش صنعت روبه رو بوده ایم. نرخ رشد اشتغال مردان در بخش صنعت طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ برابر ۱۴/۴ درصد و نرخ رشد این نماگر برای زنان در این دوره ۳۷/۷۳ درصد بوده است. نرخ رشد اشتغال در بخش خدمات به طور متوسط طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ در میان مردان ۵۱/۸۳ درصد و برای زنان ۳۲/۹۲ درصد افزایش داشته است. از اواخر ۱۳۸۱، به همراه حرکت به سوی خصوصی سازی و واگذاری سهام و مدیریت شرکت های دولتی به بخش خصوصی و تعاونی و گسترش فعالیت بخش خصوصی، دولت ایران با هدف اصلاح عدم توازن ساختاری و نهادی، به فعالیتهایی چون یکسان سازی نرخ ارز، اصلاحات تجاری، تصویب قانون سرمایه گذاری خارجی، اصلاحات مالیاتی و صدور اجازه تأسیس بانک های خصوصی اقدام کرده است. خصوصی سازی و کاهش تصدی دولت، به همراه آزادسازی و ایجاد محیطی رقابتی، بر متغیرهای کلان اقتصاد از جمله اشتغال، به ویژه اشتغال زنان دانش آموخته آموزش عالی، اثر گذار است. (زعفرانچی: ۱۳۸۸).

جمعیت زنان شاغل در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱ میلیون و ۷۶۵ هزار و ۴۰۲ نفر بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۲ میلیون و ۷۸۱ هزار و ۸۲۳ نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۲ میلیون و ۷۱۱ هزار و ۵۵۷ نفر رسیده است بررسی میزان اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی کشور نشان می دهد که سهم آنان از کل شاغلان کشور در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۱۲/۱، ۱۳/۵ و ۱۳/۱ درصد است همگام با افزایش میزان بیکاری در کشور، نرخ بیکاری زنان نیز از ۱۳/۳ در سال ۱۳۷۵ به ۲۳/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ رسید، طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ میزان بیکاری زنان به ۲۴۱ درصد افزایش یافته است، مقایسه ی گروه های عمده ی فعالیت زنان شاغل در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می دهد که فعالیت زنان در بخش صنعت کاهش یافته و گرایش آن ها به بخش خدمات بیشتر شده است. آنچه در بخش فعالیت های کشاورزی مشاهده می شود این است که سهم شاغلان در بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ کاهش و در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. آنچه در بخش فعالیت های کشاورزی مشاهده می شود این است که سهم شاغلان در بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ کاهش و در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است، جدول ذیل توزیع زنان شاغل را در سه گروه عمده ی صنعت، کشاورزی و خدمات نشان می دهد.

جدول شماره ۳: توزیع زنان شاغل در گروه های عمده فعالیت در سال های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰

| گروه عمده ی فعالیت | ۱۳۷۵ | | ۱۳۸۵ | | ۱۳۹۰ | |
|--------------------|---------|------|---------|------|---------|------|
| | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد |
| کشاورزی | ۲۹۴۴۶۵ | ۱۷ | ۴۰۲۲۱۱ | ۱۴/۴ | ۵۳۵۴۱۱ | ۱۹/۷ |
| صنعت | ۶۰۹۰۴۶ | ۳۴ | ۶۹۸۴۰۶ | ۲۵/۱ | ۴۳۹۱۷۲ | ۱۶/۱ |
| خدمات | ۸۰۹۶۷۱ | ۴۶ | ۱۵۶۵۲۰۱ | ۵۶/۲ | ۱۶۴۵۱۱۵ | ۶۰/۷ |
| فعالیت های نامشخص | ۵۲۲۲۰ | ۲/۸ | ۱۱۶۰۰۵ | ۴/۱ | ۹۲۹۸۹ | ۳/۴ |
| جمع | ۱۷۶۵۴۰۲ | ۱۰۰ | ۲۷۸۱۸۲۳ | ۱۰۰ | ۲۷۱۱۵۵۷ | ۱۰۰ |

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰

از دیگر سو بر اساس طرح آمارگیری از کارگاه های دارای فعالیت تحقیق و توسعه در سال ۱۳۹۴، ۴۲۵۶۲ محقق تمام وقت مرد و ۲۲۲۱۶ نفر محقق تمام وقت زن در کشور فعالیت می کنند. به عبارت دیگر مردان سهم ۶۷ درصدی از جمعیت محقق کشور و زنان سهم ۳۳ درصدی از جمعیت محقق کشور را دارند. علاوه بر این بیشتر محققان زن یعنی ۳۳ درصد از آنان دارای مدرک علوم پزشکی هستند. همچنین بیشتر محققان مرد یعنی ۳۰ درصد دارای مدرک در رشته های علوم فنی و مهندسی هستند که ۶۶ درصد از محققان زن و ۶۸ درصد از محققان مرد دارای دکترای تخصصی می باشند (www.amar.org)

قوانین حامی زنان در حوزه اقتصادی نیز حتی در عقود مدنی مانند عقد نکاح نیز قابل بررسی است تا آنجا که در قوانین مدنی ما می توان نفقه را به عنوان یکی از قوانین حامی زنان نام برد. نفقه در لغت به معنی صرف کردن است و از انفاق گرفته شده است (لنگرودی: ۱۳۸۰، ص ۷۱۸)، ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی بیان می کند: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». فقه که منبع عمده حقوق ایران است، نفقه را وظیفه ای می داند که در برابر تمکین زن از شوهر بر عهده زوج قرار می گیرد؛ بنابراین می توان گفت اگر زن بدون عذر موجه با شوهر خود حسن معاشرت ننماید و از او در امور زناشویی اطاعت نکند، به اصطلاح زن، ناشزه محسوب می شود و زوج تکلیفی به پرداخت نفقه نخواهد داشت (امامی: ۱۳۷۷، ص ۵۱۶). پرسشی که به ذهن خطور می کند این است که آیا زوج فقط مکلف به تمکین خاص و حسن معاشرت است؟ درباره حسن معاشرت باید گفت که ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی این تکلیف را بر دوش زوج نیز گذاشته و وی را مکلف به حسن معاشرت با همسر خود کرده است. از طرفی خودداری زوج از نزدیکی با زن نیز می تواند از اسباب عسر و حرج محسوب شود و به دلیل آن زوج می تواند تقاضای طلاق کند (کاتوزیان: ۱۳۸۲، ص ۲۶۳). از نظر اقتصادی به نظر می رسد قانون، بار اضافی بر عهده زوج قرار داده است زیرا پس از ازدواج زوج و زوجه درباره وظایف زناشویی، حسن معاشرت، تمکین خاص و... در وضعیت تقریباً برابری قرار دارند، جز اینکه زوج مکلف به پرداخت نفقه شده است و حتی نفقه گذشته به عنوان دین بر ذمه شوهر باقی می ماند و در صورت تقاضای زوجه، زوج مکلف به است آن را نیز پرداخت کند (صفایی و امامی: ۱۳۸۶، ص ۱۳۸).

مطابق ماده ۶۴۲ ق. م. ا. ترک انفاق جرم محسوب شده و علاوه بر حق زوجه برای مراجعه به دادگاه های خلواده، عدم پرداخت نفقه، قابل تعقیب کیفری نیز هست. این ماده مقرر می دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید». بنا به رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان کشور: مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس هست، لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزائی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود (رأی ش ۵۲۵ - ۱۳۶۸/۱/۲۹). البته مجازات مستنکف در این ماده مشروط به داشتن استطاعت مالی بوده و در صورت

عدم استطاعت، موضوع تعقیب کیفری زوج منتفی هست. مستند حکم فوق، آیهی شریفه: «... لا تکلف نفس الا وسعها...» (بقره، ۲۳۳) هست. بر اساس آن، مجازات فرد معسر و تنگدست، اخلاقی و انسانی نبوده خصوصاً در زندگی زناشویی که اخلاق ضامن بقای خانواده است لازم به ذکر است، در مواردی از قانون مدنی - خصوصاً در تبصره ۶ ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ - در صورت طلاق، حقوق و درآمدهای مالی دیگری برای زوجه از قبیل اجرت المثل یا نخله، در ازای حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده، در نظر گرفته شده است.

عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی

در حوزه مشارکت سیاسی و عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی با توجه به جایگاه سیاسی زن در قوانین ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ (ریاست جمهوری زنان، نمایندگی مجلس، حضور در کابینه دولت و...) با بررسی قوانین می توان نتایج ذیل را ذکر نمود:

در سال های پیش از انقلاب اسلامی اقدامات پهلوی اول جهت تغییر در وضعیت زنان بیشتر در حوزه حقوق سیاسی خلاصه شده بود گرچه همراه با توسعه اقتصادی کشور وضعیت زنان نیز بهبود یافته بود. در مهرماه ۱۳۴۱ شمسی خبر تصویب لایحه انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی که در هیئت دولت به تصویب رسیده بود انتشار یافت انتشار این لایحه به یک رودررویی عظیم با مخالفان مذهبی منجر شد که دو ماه به طول انجامید و باید در این مقابله ریشه های انقلاب اسلامی را که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید پیدا کرد. در برابر لایحه مزبور روحانیون طراز اول کشور، انجمن های بازرگانان و اصناف تهران با دولت روبرو شدند و به مقابله پرداختند. این برخورد به عقب نشینی پی در پی دولت و سرانجام لغو لایحه مزبور توسط جلسه هیئت وزیران مورخ ۸ آذرماه ۱۳۴۱، انجامید. تلگرافی که آیات عظام به شاه و اسدالله علم نخست وزیر وقت مخابره کردند، به خوبی حاکی است که روحانیون طراز اول کشور، این لایحه را بی اعتنایی به قرآن و اسلام و راه رخنه و نفوذ افراد و اندیشه های غیر اسلامی در کشور دانسته اند. از جمله مسائلی که به نفوذ اندیشه های غیر اسلامی و چه بسا ضد اسلامی تعبیر شد، حق رأی بود که در لایحه مزبور برای زنان در نظر گرفته شده بود؛ اما عقب نشینی دولت، عقب نشینی دربار نبود و کمتر از شش ماه پس از خاتمه ماجرا یعنی در روز ۱۸ اسفند ۴۱ با طرح مسئلهی رفراندومی که قرار بود موارد شش گانهی «انقلاب سفید» شاه را تحکیم کند مقابله فرهنگی با مخالفان مذهبی بار دیگر آغاز شد. (کار، ۱۳۷۹) مخالفت آیات عظام به قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منجر شد که به سبب آن تهران و قم و چند شهر دیگر صحنه ی برخورد خونین با مخالفان شاه شدند. بعد از سرکوب مخالفان رفراندوم شاه، نهضت زیرزمینی شد. شاه نیز به راه خود رفت و سرانجام بند ۱ ماده ۱۰ قانون انتخابات مصوب ۱۳۲۹ هجری قمری که زنان را در ردهی صغار و مجانیین از حق رأی محروم ساخته بود، به موجب مادهی واحدهای مصوب سال ۱۳۴۳ که از تصویب پارلمان گذشت، حذف شد. همچنین بند دوم از مادهی سیزدهم قانون انتخابات نیز که زنان را از حق انتخاب شدن محروم ساخته بود حذف شد؛ بنابراین زنان ایران از سال ۱۳۴۱ شمسی بر پایهی فرمان هایی که از رأس هرم قدرت سیاسی صادر شد و سپس با تصویب ماده واحد در سال ۱۳۴۳ صورت قانونی به خود گرفت، توانستند در عرصه ی انتخابات پارلمان حضور یابند؛ یعنی توانستند رأی بدهند و بر کرسی نمایندگی پارلمان بنشینند. در اجرای فرمان ها صادره، افرادی که موافق بی چون و چرای سیاست های رسمی بودند و نهادهای امنیتی آن ها را تأیید می کردند به شوراها و مجالس مقننه راه یافتند. این ها البته منتخب تمام طیف ها و گرایش های زنان و مردان ایران نبودند و نمی توانستند سخنگوی الام و نیازهای متنوع همه ی مردم ایران شده و از زبان همگان حق خواهی کنند. در نتیجه زنان راه یافته به پارلمان از حمایت زنان متعلق به طیف های گوناگون سیاسی محروم ماندند و نتوانستند وجهه های

در کل جمعیت زنان کشور کسب کنند. (کار، ۱۳۷۹)

در حوزه سیاسی نیز بدین گونه است که مشارکت سیاسی زنان در تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران زنان و حضور آن ها در قوه مقننه تداوم یافته است. پیروزی انقلاب اسلامی سرآغاز دیگری در مشارکت سیاسی زنان رقم زد. مشارکت سیاسی زنان و حضور در عرصه قدرت برای آن ها نه تنها به منزله یک حق بنیادی، بلکه به منزله تکلیفی اسلامی در نظر گرفته شد. راهیابی زنان در قوه مقننه و حضور مستقیم و غیرمستقیم زنان در هشت سال جنگ با عراق جلوه های متعدد از پذیرش مشارکت زنان در نظام جمهوری اسلامی است. پایان یافتن جنگ و نیاز به حضور زنان در فرایند بازسازی کشور، مشارکت سیاسی زنان را رونق بخشید؛ به طوری که میزان حضور زنان در مجلس پنجم در مقایسه با چهار دوره قبل افزایش یافت. میزان مشارکت سیاسی زنان در قوه مقننه در دولت اصلاحات به نسبت سایر دوره ها بیشتر بود. حضور زنان در ساختار قوه مقننه جمهوری اسلامی در دولت دهم و یازدهم که متشکل از سه نهاد مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام است، با اندکی ضعف ادامه پیدا کرد. گرچه در این دوره مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی از دوره های قبل بهتر ارزیابی می شود در مورد پست ریاست جمهوری نیز مناقشات فراوانی بر سر مسئله زنان و تعریف مفهوم رجال در میان بوده است. در نگاه اجمالی به صفت رجل در اصل مذکور موضوع مرد بودن رئیس جمهوری به ذهن متبادر می شود؛ اما عده ای از حقوق دانان و افراد در تفسیر واژه رجل در اصل یاد شده معتقدند که رجال در این اصل بر معنی لغوی و حقیقی خود به کار نرفته است لذا منظور از آن مردان نیست بلکه رجال به معنی شخصیت ها و افراد شاخص است و با این برداشت شامل زنان نیز می شود. عده ای با توجه به این که منصب ریاست جمهوری شغلی همانند قضا، یا مرجعیت نیست تصدی آن توسط زنان واجد شرایط را بدون اشکال دانسته اند لذا قید رجال را نه تنها غیر لازم بلکه برخلاف مبانی

حقوقی می دانستند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، ۱۳۸۰: ۱۷۷۰) گروه دوم که اکثریت نمایندگان را تشکیل می دادند عقیده داشتند تصدی ریاست جمهوری نوعی حکومت و ولایت است و حکومت تنها خاص قضا و مرجعیت نیست بلکه طبع این منصب که به نوعی مقتضی حاکمیت ولو در حد معینی است نمی تواند به زنان واگذار شود زیرا مضامین وارده و نیز فتاوا مشهور از پرداختن زنان به حکومت به معنی خاص ابا دارد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی: ۱۷۷۱)

بدین ترتیب اهمیت نقش ریاست جمهوری در سیاست گذاری روشن است و جا دارد زنان امکانات و فرصت های قانونی خود را برای احراز این مقام سیاسی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند. به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس جمهور بایستی با شرایط ذیل از میان رجال مذهبی و یا سیاسی انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. گرچه در این اصل تصریح شده رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد، اما قانون گذار انتخاب وی را منوط به شرایطی دانسته است که ذکورت جزو آن نیست. جمعی از مفسران را عقیده بر آن است که منظور قنون گذار از واژه ی رجال چهره های شاخص مذهبی و سیاسی است، نه لزوماً مردان سیاسی و مذهبی؛ اما با وجود این گونه تفسیرها نمی توان بار جنسیتی کلمه رجال را در اصل ۱۱۵ قانون اساسی نادیده گرفت. آنچه مسلم است قانون گذار با تصویب این اصل نیمی از جمعیت کشور را که زیر کلمه ی رجال قرار نمی گیرد از احراز پست ریاست جمهوری محروم ساخته است. (کار، ۱۳۸۰: ۹۱)

در طول سالیان پس از انقلاب گرچه زنان در حوزه نمایندگی مجلس حضور مداومی داشته اند اما تعیین زنان در حوزه وزارت امری ناممکن نشان داده شده است تا جایی که در دولت دهم انتصاب وزیر بهداشت زن مورد نارضایتی مراجع دینی قرار گرفت. (iusnews.ir)

به موجب اصل ۱۳۳ قانون اساسی وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک را قانون معین می کند. وزیران از جمله اعمال کنندگان قوه ی مجریه هستند که با دو جلوه ی متمایز جمعی (هیئت وزیران) و فردی به انجام وظیفه ی سیاسی می پردازند. در قوانین ناظر بر تعیین وزرا ذکورت شرط نشده است. با این حال تاکنون تنها یک وزیر زن در جمهوری اسلامی داشته ایم. حال آنکه سابقاً احراز پست وزارت توسط زنان در تاریخ معاصر ایران ثبت شده و پیش از انقلاب دو وزیر زن در کابینه عضویت داشته اند؛ بنابراین، زنان ایرانی می توانند در شرایط موجود، احراز پست وزارت را مانند یک حق شرعی و مکتسبه که قانون به آن ها تفویض کرده است مطالبه کنند و از سلیقه های شخصی افراد و گروه هایی انتقاد کنند که با وجود فرصت های قانونی به آن ها راه نمی دهند تا در جرگه ی وزرا عضویت داشته باشند. از نگاه فقهی دلیلی بر رجولیت وزیر نیز متصور نیست. وزارت موضوع جدیدی است و در فرهنگ شیعه سابقه نداشته و در نتیجه حکم خاصی هم ندارد که بتوان بر پابهی آن زنان را از وزارت محروم ساخت. وزارت یکی از مصادیق حضور زنان در جامعه است و چنانکه گذشت مشروعیت حضور شامل مصادیق حضور هم می شود. (کار، ۱۳۸۰: ۹۲)

جدول شماره ۱۰: مقایسه قوانین قبل و بعد از انقلاب

| شاخص تئوریک | بعد از انقلاب | قبل از انقلاب |
|-----------------------------|---|--|
| تساوی در ارزش‌ها | داشتن حق رای اصل ۶ و اصل ۶۲ قانون اساسی ۱۳۵۸ | داشتن حق رای بر اساس لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ |
| تناسب جنسیت با نقش‌ها | <p>مجاز به تصدی وزارت بر اساس اصل ۱۳۷ قانون اساسی مجاز به نمایندگی سیاسی در پارلمان بر اساس اصل ۶۲ قانون اساسی و عدم امکان قانونی جهت پذیرش پست ریاست جمهوری (اصل ۱۱۵)</p> <p>اشتغال به امور اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه اشتغال را از حقوق اولیه و طبیعی زنان می‌داند، آنان را در انتخاب هر شغلی که مخالف اسلام نباشد آزاد دانسته است: ۹ از اصل سوم قانون اساسی اصل بیستم قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛-۱ حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان-۲ بی‌سرپرست؛ ایجاد دانشگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛-۳ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛-۴ اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی-۵ شرعی مطابق اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف به ایجاد «امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه افراد» گردیده است. بند ۲ اصل چهل و سوم مقرر می‌دارد: «تأمین شرایط کار و امکانات اشتغال برای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار هم‌مکانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند | <p>اشتغال به امور اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> انتخاب شغل از طرف زنان و ایجاد فرصت‌های اشتغال و پذیرش زنان در مشاغل جدید ضمانت اجرای حقوقی و مدنی عدم پرداخت نفقه در ماده ۸ قانون حمایت از خانواده مصوب الزام شوهر به دادن نفقه ۱۳۵۳ ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده، ماده قانون مزبور نیز تغییر کرد و به جای آن مواد ۱۴ و ۱۷ قانون تصویب شد ۱۶ |
| | <p>عدم استخدام بعنوان نیروی نظامی</p> <ul style="list-style-type: none"> ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام نماید | <p>استخدام بعنوان نیروی نظامی، شامل</p> <ul style="list-style-type: none"> قانون تشکیل سپاه بهداشت مصوب ۲۰ بهمن ۱۳۴۲ مجلس شورای ملی و ۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ مجلس سنا و قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی که در ۱۳۴۳ |
| | <p>عدم صلاحیت بعنوان قاضی</p> <ul style="list-style-type: none"> اصل ۱۶۳ قانون اساسی قانون اصلاح تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۳ | <p>صلاحیت فعالیت بعنوان قاضی</p> |
| | <p>مهریه</p> <ul style="list-style-type: none"> ماده ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ ق.م جهت تأمین حقوق زنان نسبت به مهریه، طرح تعدیل مهریه به نرخ روز در مجلس شورای اسلامی در سال به تصویب رسید. ماده واحدهی مغلطه ۸/۵/۷۶ يك تبصره به شرح ذیل به ماده ۱۰۸۲ ق.م. الحاق نمود | <p>مهریه</p> <ul style="list-style-type: none"> ماده ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ ق.م |
| | <p>ارث</p> <ul style="list-style-type: none"> مجلس شورای اسلامی، در بهمن ماه (۱۳۸۷) ه.ش (مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی ایران را اصلاح کرد. با این اصلاح و سهیم کردن زوجه در قیمت زمین، تحولی چشمگیر در حقوق ارث زوجه از اموال شوهر به وجود آمد ماده ۹۴۷ حذف گردید | <p>ارث</p> <ul style="list-style-type: none"> مواد ۹۴۰ تا ۹۴۹ احکام میراث زوجین قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۰۷ ه. ش) |
| تقارن اخلاق و حقوق | <p>نفقه</p> <ul style="list-style-type: none"> قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ ماده ۱۰۶ ق.م. تا ۱۱۲۹ ق.م ضمانت اجرای حقوقی و مدنی عدم پرداخت نفقه در ماده ۸ قانون حمایت از خانواده مصوب الزام شوهر به دادن نفقه ۱۳۵۳ ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده، ماده قانون مزبور نیز تغییر کرد و به جای آن مواد ۱۴ و ۱۷ قانون تصویب شد ۱۶ | <p>نفقه</p> <ul style="list-style-type: none"> قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ ماده ۱۰۶ ق.م. تا ۱۱۲۹ ق.م اصلاحیه ماده ۱۱۰۷ ق.م تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ |
| | <p>شهادت زنان</p> <ul style="list-style-type: none"> مطابق مفهوم مخالف (۱۷۵، ۱۷۶ و ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شهادت در امور کیفری به دو قسم شرعی و عرفی قابل تقسیم است ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۲/۱۳۷۹ تشخیص ارزش و تأثیر گواهی را به دادگاه محول کرده است | <p>شهادت زنان</p> <ul style="list-style-type: none"> عدم برابری شهادت زن و مرد قانون مدنی ۱۳۰۷ |
| | <p>تتصیف دیه زن نسبت به مرد</p> | <p>تتصیف دیه زن نسبت به مرد</p> <ul style="list-style-type: none"> رای به تتصیف دیه زن و مرد |

نتیجه گیری

در نتیجه ما بر اساس عنوان پژوهش که بررسی جامعه شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی سیاسی و اقتصادی در قوانین ایران را به مثابه محور مرکزی خود قرار داده بود به بررسی قوانین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پرداختیم. در حوزه قوانین سیاسی جهت حضور و یا عدم حضور زنان که منجر به تبعیض شود؛ بیش از آنکه به قوانین منع کننده برخوردیم با ذهنیت مجریان قانون رویه رو بوده ایم به طور مثال در تبیین و تشریح مفهوم رجل در قانون اساسی جهت حضور زنان به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری قانون هیچ صراحتی در مورد منع زنان بیان نمی کند اما برداشت مفسران قانون اساسی حتی تلویحاً نیز با نص قانون مخالف است. در دیگر حوزه ما وزارت نیز علی رغم حضور وزیر بهداشت دولت دهم به عنوان یک زن در کابینه اما نگاه و برداشت متفاوتی نهادهای دینی و جریانهای سیاسی به خوبی نشان دهنده چرایی عدم حضور بانوان در کابینه دولت در سال های پس از انقلاب بوده است. در حوزه اشتغال اما قانون اساسی، قوانین مدنی و رویه های اجرایی بستر بسیار مناسب تری برای حضور زنان فراهم آورده است. قوانینی همچون ۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ ۲. حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛ ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛ ۵. ممنوعیت کارهای سخت برای زنان ۶. مرخصی زایمان ۷. طرح دورکاری زنان شاغل ۸. لایحه تسهیلات شغلی برای زنان سرپرست خانوار ۹. بازنشستگی پیش از موعد زنان ۱۰. قوانین اشتغال پاره وقت زنان توانسته است زمینه حضور قدرتمند زنان را در بازار کار در سال های پس از انقلاب نیز فراهم کند. در حوزه قوانین خانواده نیز رویکرد قانون گذار حمایت مادی از زنان در مباحثی همچون نفقه و مهریه بوده است. در حوزه هایی مانند ارث اما همچنان موانع مهم دینی مانع از برابری در تقسیم میراث خواهد بود. در نتیجه با بررسی قوانین موضوعه و مدنی کشور و همچنین رویه ها اجرایی و قوانین سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بستر سال های پس از انقلاب می توان بدین نتیجه رهنمون شد که قوانین اقتصادی و خانواده تا حد امکان با توجه به مقتضیات شریعت توانسته است خود را با حقوق زنان وفق دهد و در حوزه سیاسی نیز با توجه به تفسیرهای سیاسی و البته با پشتوانه ذهنیت مردانه قوانین تفسیر شده اند و تاکنون زنان از احراز نامزدی پست ریاست جمهوری بازداشته شده اند. این موانع در حوزه وزارت نیز به گونه ای مشابه ایجاد شده اند اما در مورد مجلس شورای اسلامی نمایندگی زنان امری عادی است گرچه فاقد تأثیر گذاری قابل ملاحظه است.

در حقیقت با بررسی قوانین مدنی و سیاسی در ایران سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ می توان موانع عدالت جنسیتی از یک سو و ایجاد عدالت جنسیتی از سوی دیگر را عوامل ذیل دانست:

تأثیر تفسیرهای مردسالارانه و فاقد مبنای قانونی همچون تفسیر مفهوم رجل در شرایط ریاست جمهوری

تأثیر برخی تفسیرهای دینی در افزایش عدالت جنسیتی

تأثیر فرهنگ سیاسی نخبگان بر حضور زنان در منصب سیاسی مانند ریاست جمهوری

تأثیر منفی باورهای قالبی جنسیتی (و فاقد مبنای قانونی) و باور به نابرابری جنسیتی بر نگرش به ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی.

تدوین قوانین مهم در مورد حداقل میزان حضور زنان در کابینه

تدوین قوانین روزآمدتر در حوزه نفقه و ارث

پیشنهادات پژوهش

به طور کلی با توجه به یافته های پژوهش می توان به موارد زیر به طور اختصار در سه سطح خانواده، دولت و رسانه ها اشاره کرد:

اجرای برنامه های متعدد برای تسهیل اشتغال زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی مؤثر در توسعه کشور:

نرخ پایین اشتغال زنان در ایران نیز مانند مشارکت سیاسی از مهم ترین عوامل افزایش شکاف جنسیتی در ایران است. به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی در کشور در طی دهه های گذشته، زنان جامعه نتوانسته اند تا حد ایده ال اشتغال خود را تأمین کنند. گرچه در زمینه قانون کار، تبعیض کمتری موجود است اما شرایط اقتصادی سبب شده است تا اشتغال زنان در نسبت با مردان از موقعیت اقتصادی و اشتغالی کمتری برخوردار باشند.

تغییر قوانین به سوی تبعیض مثبت و پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان:

پیوستن به کنوانسیون زنان تاکنون به عنوان یک چالش از سوی گروه های محافظه کار مطرح گشته است تا این کنوانسیون را مخالف عقاید سنتی خود جلوه دهند. در حالی که کنوانسیون مذکور راه را برای بهبود اوضاع زنان در حوزه های گوناگون هموار می نماید. از دیگر سو ایجاد قوانینی جهت بهبود اوضاع زنان با رویکرد تبعیض مثبت همچون توانمندسازی زنان، آموزش بیشتر در حوزه حقوق اجتماعی و اقتصادی می تواند راهگشای بهبود اوضاع زنان در جامعه ایران گردد.

روشن ساختن مفاهیم مهمی همچون رجل و رجلیت در مورد پست ریاست جمهوری:

تفاسیر گوناگون از مفهوم رجل سبب شده است تا مقصود قانون گذار و نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی درباره حضور زنان در منصب ریاست جمهوری مبهم گردیده و دستخوش تفاسیر سلیقه‌ای جناح‌های سیاسی و برخی برداشت‌های سنتی فقهی شود مناسب است تا مفهوم رجل درباره ریاست جمهوری مشخص و روشن شود تا راه برای دیگر پست‌ها و مناصب همچون وزارت و قضاوت نیز هموار گردد.

تدوین قوانین مهم در مورد حداقل میزان حضور زنان در کابینه:

از ابتدای انقلاب تاکنون به دلیل وجود فرهنگ مردسالارانه و بعضی از تفاسیر سنتی در حوزه زنان، تنها یک وزیر زن انتخاب شده است اما باید دانست که این عدم انتخاب نه مبنای قانونی بلکه به دلیل نگاه مردسالارانه است که تاکنون تنها یک وزیر زن انتخاب گشته است. لازم است تا طرحی تدوین شده و دولت مکلف به اختصاص حداقلی از مناصب وزارت و معاونت به زنان گردد تا اجرای قانون ضمنت اجرایی نیز بیابد.

پایبندی احزاب و گروه‌های سیاسی به معرفی بیشتر نامزدهای زن در فهرست‌های انتخاباتی و تصحیح پروتکل‌های انتخاباتی احزاب بر اساس برابری جنسیتی و رفع تبعیض:

احزاب سیاسی کشور به تبع فرهنگ مردسالارانه و نگرش‌های سنتی به حضور زنان در مناصب اجتماعی سیاسی که مبنایی قانونی نیز ندارد از حضور زنان در لیست‌های انتخاباتی تنها به عنوان امری تبلیغی استفاده کرده و شعارهای انتخاباتی خود را غالباً جهت افزایش رأی به سمت عدالت جنسیتی سوق می‌دهند. لازم است تا جهت فراگیر شدن ذهنیت عدالت جنسیتی احزاب و گروه‌های سیاسی درصدی مشخص از لیست‌های انتخاباتی خود را به زنان اختصاص داده و ضمانت اجرای شعارهای خود را جهت اجرای درست قوانین اعلام نمایند.

منابع:

- قرآن کریم.
قانون آئین دادرسی کیفری.
قانون مجازات اسلامی.
آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸) عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، نشریه مطالعات راهبردی زنان، کتاب زنان، دوره ۱۲، شماره ۴۶.
اعظم آزاده، منصوره (۱۳۸۴) آگاهی از نابرابری های جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری های جنسیتی، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۲ علمی-پژوهشی، صص ۵۱ تا ۷۴.
آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۸) چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی، نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان) سال دوازدهم، شماره ۴۶.
امامی، اسدالله، صفایی، سید حسین. (۱۳۸۶) مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات میزان.
امامی، سید حسن. (۱۳۷۷) حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.
پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۴) بنی فاطمه، سمیه السادات؛ فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، فصل نامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی) بهار ۱۳۹۴ - شماره ۶۸، از ۳۵ تا ۷۸.
جایگاه زن در قانون، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، زمستان ۱۳۷۳، گزینش موارد اشتغال، گزارش معاونت امور زنان نهاد ریاست جمهوری www.hajij.com
رودگر، نرگس. (۱۳۸۸) فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش ها، نقد، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، سازمان ملی جوانان.
زعفرانچی، لیلا (۱۳۸۸) اشتغال زنان. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
شمس قهفرخی، مهری. (۱۳۹۷) تأثیر مقدار ساعت کاری زنان شاغل بر باروری، پاییز ۱۳۹۷ - نشریه جامعه شناسی کاربردی شماره ۷۱، از ۱۰۱ تا ۱۱۶.
عبدالحمید، مهدی؛ محمدی، مهدی. بابایی مجرد، حسین. (۱۳۹۷) ارائه الگوی خط مشی های اشتغال زنان از منظر اضطراب اجتماعی، مجله راهبرد اجتماعی، فرهنگی، تابستان ۹۷ شماره ۲۷، از ۱۳۹ تا ۱۶۲.
عظیمی هاشمی، مزگان؛ قضی طباطبایی، محمود؛ هدایتی، علی اصغر. (۱۳۹۴) مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر آن، فصلنامه زن و جامعه، زمستان ۹۴، سال ششم - شماره ۴، از ۱۰۵ تا ۱۲۴.
شادی طلب، ژاله (۱۳۸۰) زنان ایران، مطالبات و انتظارات، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۳۱-۶۲.
قدرتی، حسین. (۱۳۹۴) فراز و فرود اشتغال زنان در ایران و تفاوت آن با روندهای جهانی، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳، صفحه ۵۲-۲۹.
کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲) دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، تهران: انتشارات میزان.
کار، مهرانگیز (۱۳۷۳) زنان در بازار کار ایران، تهران: انتشارات روشنفکران.
کار، مهرانگیز. (۱۳۸۰) مشارکت سیاسی زنان، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور - ۱. تهران: مرکز آمار ایران.
مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ کل کشور - ۱. تهران: مرکز آمار ایران.
مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ کل کشور - ۱. تهران: مرکز آمار ایران.
مسیب نیا فخری، صدیقه (۱۳۹۲) حقوق شهروندی زنان بین دو انقلاب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۰) تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۵) تحلیل وضعیت شاخص های جنسیتی در ایران، تهران.
لامان، میشل (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه های جامعه شناسی (جلد دوم) ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، نشر هرمس، تهران.
<http://iusnews.ir/fa/news-details/1401/>
<https://www.amar.org.ir/news/ArticleType/ArticleView/ArticleID/10114>